فهرست

[مقدمه 2](#_Toc118116584)

[تقریر دوم احتمال چهارم 3](#_Toc118116585)

[نظرات دیگر 5](#_Toc118116586)

[جمع بندی 6](#_Toc118116587)

[جمع بندی ادله 7](#_Toc118116588)

بسم‌الله الرحمن الرحیم

# موضوع: فقه / نکاح

# مقدمه

بحث در دلیل دوازدهم و روایاتی بود که مضمون النظرة سهم من سهام ابلیس مسموم دربر داشت رسیدیم به مطلب پنجم که مراد از این جمله چیست. عرض شد احتمالاتی وجود دارد و بزرگان هرکدام به یکی از این احتمالات تمایل پیداکرده‌اند احتمال اول این بود که النظره در اینجا ال عهدی است و ناظر به نگاه‌هایی است که محرم شده است و بیان حکمت می‌کند و به‌بیان‌دیگر النظره سهم من سهام ابلیس یعنی النظره المحرمه سابقاً سهم من سهام ابلیس و ال اشاره به عهد است و مقصود نگاه‌هایی است که تحریم شده است و نمی‌خواهد چیزی را تحریم کند آنچه سابق گفتیم حرام است سهم من سهام ابلیس است این نظر اول بود که ظاهر کلام آقای زنجانی است.

نظر دوم شاید مرحوم صاحب جواهر و مشهور و حداقل کسانی که قائل نظر به حرمت وجه و کفین هستند به این استدلال کرده‌اند مقصود این است که این روایت ضمن بیان تعلیل و تحریم موضوع تحریم نگاه به زن اجنبیه است و النظر سهم من سهام ابلیس یعنی النظر الی المرأة اجنبیه و اطلاقی هم دارد که وجه و کفین را می‌گیرد.

نظر سوم نظر مرحوم شیخ در کتاب نگاه است که النظر مقصود النظرفی مقام التذاذ یا النظر الشهویه است این سهم من سهام ابلیس است و روایت شریفه در مقام تحریم نگاه شهوانی است و گفتیم بر خلاف آنچه که شاید در ابتدا این احتمال ضعیف به نظر بیاید و حضرت آقای زنجانی هم می‌فرماید شیخ دلیلی برای این احتمال ذکر نکرده‌اند ولی به نظر می‌رسد که خیلی ضعیف نیست و از قوت بالایی برخوردار است و شاید قدرمتیقن این باشد اگر به‌جای دیگر نتوان استشهاد کرد.

احتمال چهارم از کلام مرحوم آقای خویی استفاده می‌شود و مقصود از نظر، نظر در مقام ریبه است که عقیده ما هم همین است و باید از ادله حرمت نظر با ریبه به شمار می‌رود و تقریرشان هم این بود که سهم مقصود فاعل این سهم خود نگاه‌کننده است که با نگاهش سهمی به‌منظور الیه می‌افکند و ممکن است اصابت بکند یا نکند و به این بیان نظره یعنی نگاهی که ممکن است با آن زنا بیانجامد یا نینجامد. تیر مسمومی است که از طرف ناظر رها می‌شود که ممکن است او را به زنا برساند یا نرساند. بنابراین نظره در اینجا یعنی نگاهی که خوف دارد که او را به زنا برساند نگرانی است.

سؤال: ...

جواب: نه، ریبه با شهوت دو قاعده است که بینشان من وجه است این را از اول که وارد بحث شدیم اشاره شد که نگاه شهوانی این است که همان لحظه‌ای که نگاه می‌کند دارد لذت شهوانی را دنبال می‌کند و برای او لذت شهوانی حاصل می‌شود ولی نگاه با ریبه این است که در لحظه لذتی ندارد اما همین صورتی که از منظور الیِ دریافت می‌کند در ذهن می‌ماند و بعداً ممکن است او را به زنا یا عمل محرمی در ارتباط با منظور الیه برساند. بنابراین دو عنوان است البته در خیلی از موارد این دو باهم جمع می‌شود نظر شهوی است درعین‌حال نگران است که به فراتر از این نگاه شهوی در ارتباط با منظور الیه برسد و این دو باهم جمع می‌شود درهرصورت نظر با التذاذ شهوی این است که خود نگاه همراه با لذت رانی و شهوت‌رانی است ولی ریبه ممکن است این باشد یا نباشد و همراه با نگرانی عقلایی است که ممکن است به‌جای خطرناک‌تر بکشاند. ایشان با توجه به تصوری که از سهم من سهام ابلیس دارد می‌گوید مقصود نظره همراه با ریبه است.

این‌که مقصود از نظر چیست را بحث کردیم و تکرار نمی‌کنیم. اشکال دیگری آقای خویی وارد کردند که خیلی وارد نیست و از نظر ما اهمیت ندارد که مطرح کنیم ولی در اصل این‌که سهم را این‌طور معنا می‌کنند که نظری که ناظر به‌منظور متوجه می‌کند خیلی با لسان روایات سازگار نبود.

# تقریر دوم احتمال چهارم

ممکن است کسی با قطع‌نظر از فرمایش آقای خویی نظر چهارم را به‌صورت دیگری تقریر کند. تا الآن نظر چهارم یعنی حمل نظره بر نظره با ریبه مبتنی بر نگاهی که آقای خویی داشتند بود که می‌فرمودند سهم یعنی سهمی که ناظر پرتاب می‌کند این محل خدشه‌ای بود و خدشه دیگری هم آقای زنجانی وارد کردند که به نظر ما وارد نیست اما ممکن است کسی تقریر دومی برای این نظر بیاورد و بگوید سهم من سهام ابلیس همان است که در روایات دیگر نسبت به معاصی واردشده و هر معصیتی سهمی است که شیطان به عاصی متوجه می‌کند اما لسان روایت لسان ریبه است با این بیا ن که‏«النَّظْرَةُ سَهْمٌ مِنْ سِهَامِ إِبْلِيسَ مَسْمُومٌ»[[1]](#footnote-1) این تیری که شیطان به او پرتاب می‌کند تیری است که واقع آن همان وسوسه ای است که شیطان ایجاد می‌کند که ممکن است به نتیجه برسد یا نه مقصود از سهم خود معصیت نیست بلکه وسوسه ای است که در درون او برانگیخته می‌شود. اگر سهم را این‌طور معنا کنیم که عبارت است وسوسه شیطانی که این وسوسه ممکن است به گناه بیانجامد یا خیر در این صورت این معنا به ریبه نزدیک می‌شود یعنی نگاه به هر چیزی این سهم وسوسه ای است که شیطان در او برمی‌انگیزد وسوسه مسمومی است ولی ممکن است به نتیجه برسد یا نه این وسوسه همان ریبه است. این تقریر غیر از تقریر آقای خویی است. تقریر آقای خویی این بود که سهم ناظری است که پرتاب می‌شود و ممکن است به زنا برسد یا نرسد. و لذا جنبه ریبه ای را می‌گوید ولی در اینجا می‌گوید سهم از جانب شیطان پرتاب می‌شود منتها با این فرض به دو صورت می‌شود این سهم را معنا کرد:

1. مقصود از سهم معصیت است
2. مقصود از سهم وسوسه معصیت است که در درون فرد برانگیخته می‌شود. سهام شیطان یعنی وسوسه‌هایی که برمی‌انگیزد، **﴿يوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ﴾**[[2]](#footnote-2) ایجاد می‌کند اما ممکن است به معصیت عملی مبدل شود یا نشود. و نگاه را وسوسه ای معنا می‌کند که با ریبه سازگار است.

بنابراین می‌توان به تعبیر دیگر به این صورت دسته‌بندی کرد که یک‌بار مراد از سهم در اینجا بیان آقای خویی است که به‌واسطه سهم ابلیس است ولی ناظر آن را مستقیم پرتاب می‌کند معنای دوم این است که سهم ابلیس است به تمام معنا و مقصود از آن معصیت است و معنای سوم این است که مقصود وسوسه به معصیت است که بیشتر با ریبه سازگار است یعنی نگاهی که انجام می‌دهد لازم نیست که الآن نگاه محرمی یا شهوت‌رانی یا نگاه به وجه و کفین باشد بلکه نگاهی است که وسوسه ای در آینده باشد که ممکن است به گناه برسد یا نرسد. این هم تقریر دوم است منتها این تقریر هم نوعی حدس و گمان است ولی آنچه ما در روایات می‌بینیم همان معنای دوم است که سهم یعنی معصیتی که شیطان انسان را به آن مبتلا می‌کند و اینکه چیزی را به‌عنوان پیش‌فرض در نظر گرفتیم هم در این معنای دوم هم در نظر آقای خویی که سهمی است که ممکن است به نتیجه برسد یا نرسد نیست بلکه سهم شیطان سهمی است معصیت است و یعنی به نتیجه رسیده است.

سؤال: وجه شبه چیست؟ شباهتی بین سهم و معصیت هست؟

جواب: وجه شبه این است که واقعاً انسان را می‌کشد و معصیت هم انسان را می‌کشد یک وجه شبه بیشتر ندارد.

سؤال: ...

جواب: مقصود آسیب زدن است و وجه شبه همین است و در کلام امیرالمؤمنین در خطبه قاصعه و جای دیگر مقصود همین است که شیطان در کمین شما نشسته است و تیرهایی پرتاب می‌کند یعنی همین معصیت که آسیبی به روح وارد می‌کند.

اگر کسی میان این سه احتمال نتوانست انتخاب کند انتخاب یکی به‌عنوان این‌که ریبه است بعید است سه احتمال وجود دارد اما اینکه حتماً بگوییم این است یا آن کار سختی است. این سه احتمال این است که:

1. سهم به مستقیم نظر به‌منظور الیِ است . فاعل سهم ناظر است و پرتاب می‌کند
2. فاعل سهم شیطان است ولی مراد وسوسه شیطانی است
3. سهم ابلیس است و مقصود معصیت فعلیه است.

تقریر اول و دوم باشد می‌شود به ریبه نزدیک باشد ولی اگر احتمال سوم باشدکه اقوی است با ریبه رابطه‌ای ندارد.

این چهارنظر بود و نظر اول نظر آقای زنجانی بود و نظر دوم نظر مشهور و صاحب جواهر است و نظر سوم صریح کلام شیخ است و نظر چهارم نظر مرحوم آقای خویی است یا با تقریر ایشان یا با تقریر دیگر. هرکدام هم وجهی دارد و نکاتش عرض شد.

و نظرات دیگری هم آورد با ترکیب این‌ها مثل‌اینکه نظر پنجم بگوید مقصود النظر در اینجا اطلاقی است که هم شامل نظر دو و سه و چهار می‌شود النظر سهم من سهام ابلیس هم نگاه نامحرم به اجنبیه را می‌گیرد هم نگاه شهوانی را می‌گیرد هم نگاه عن ریبه را می‌گیرد یعنی هم‌زمان این دلیل در سه جا قابل تمسک است:

1. اطلاق دارد به‌جایی که نگاه به مرأة اجنبیه حرام است.
2. هم اطلاقی برای حرمت نظر با التذاذ و شهوت دارد
3. اطلاقی که شامل تحریم نظر با ریبه هم می‌شود

# نظرات دیگر

ممکن است کسی نظر ششمی بدهد و بگوید جمع بین التذاذ و ریبه است و ممکن است کسی نظر هفتمی بدهد و بگوید جمع بین نظر شیخ و مشهور است این سه جمع بین دو یا سه محتمل قبلی هم متصور است و مبنای این جمع‌ها این است که بگوییم النظر ال جنس است و اطلاق دارد و هم‌نظر به اجنبیه را می‌گیرد هم‌نظر با التذاذ را می‌گیرد هم‌نظر با ریبه را می‌گیرد. منتها چون این جمع‌ها خیلی محکم نیست به‌این‌علت است که ما از اطلاق نظر چشم‌پوشی کنیم و بگوییم منصرف به نظرهای خاصی است و بعدازآن بگوییم شمولی دارد و همه این فروض را می‌گیرد با قواعد اصولی دشوار است گرچه راه بسته نیست.

سؤال: مخصوصا اگر این روایت متعین باشد که نگاه حرام است باز هم می شود برای نگاه دیگری از آن استفاده کرد با توجه به تحذیر شدیدی در روایت هست دلالت التزامی وجود دارد که نزدیک نباید شد. مثل آن روایاتی که می گوید معاصی قرقگاه خداست و نباید به آن نزدیک شد.

جواب: ممکن است این روایت مرجوحیت نظر با ریبه از باب احتیاط را می‌گوید ولی این یک احتمال است که خیلی قوی نیست. ممکن است کسی بگوید این روایات درصدد بیان یک امر احتیاطی است که این امر همان ریبه است.

 و ممکن است کسی بگوید حرمت را نمی‌رساند بلکه مرجوحیتی را می‌رساند و مفروض گرفته که شهوت‌رانی مذموم است و نگاه هم مارا در معرض آن قرار می‌دهد و می‌گوید مواظب نگاه‌هایتان باشید این نگاه ممکن است شما را به‌جای خطرناک برساند و همان احتیاط را می‌گوید حال اگر احتیاط وجوبی نباشد احتیاط تحریمی است اما مع ذلک علی رغم این هفت احتمال به نظر من اطلاق را نمی‌توان پذیرفت با توجه به این لغزانی که در احتمالات وجود دارد بگوییم النظره یعنی مطلق نظر به نساء و نظر با التذاذ و نظر باریبه باشد. سخت است که کسی اطلاق به این شکل را قبول کند با توجه به وجوهی که تکافوء می‌کرد و نمی‌شد به یکی استقرار پیدا کرد و با توجه به این‌که النظر مطلق هم قطعاً مقصود نیست. اگر اقرب مجازات را بگیریم و انصراف درست کنیم و در دل انصرافات اطلاقی به دست آوریم کار سنگینی است و اگر ما و این روایت باشیم بخواهیم با آن اطلاق درست کنیم هم در نگاه به اجنبیات هم در نگاه التذاذی هم در نگاه با ریبه خیلی بعید است.

# جمع بندی

تحقیق در مسئله این است که با توجه به این‌که اطلاق اولیه این دلیل قطعاً مراد نیست و حتماً باید قیدی به آن متوجه شود تعیین مراتب بعدی به‌گونه‌ای که شمول وسیع داشته باشد سه چهار قاعده فقهی استقرار نظر بر این احتمال دشوار است و از جهت دیگر نگاه با شهوت از قدر متیقن های روایت است و نمی‌شود به آن ملتزم شد اگر بگوییم هیچ قدرمتیقنی در این روایت هست یا نیست میگوییم حتماً وجود دارد و از لحاظ تربیتی مؤثر است سهم من سهام ابلیس مسموم کارکرد تعلیلی و بیان حکمت و تحریضی که در روایت است مسلم است بیان حقیقتی می‌کند اما فراتر از آن نمی‌شود اطلاق را بپذیریم ولی قدرمتیقن را بخواهیم بپذیریم قدرمتیقن نگاه با التذاذ شهوانی است و فرمایش شیخ خیلی درست است قدرمتیقن در ‏«النَّظْرَةُ سَهْمٌ مِنْ سِهَامِ إِبْلِيسَ مَسْمُومٌ» و بعد بفرماید ترک‌ها خداوند ایمانی را به او می‌دهد که حلاوتش را می‌چشد مناسب حکم و موضوعش این است که اگر کسی نگاه با شهوت را کنار بگذارد خداوند این ابواب را بر رویش باز می‌کند.

همان‌طور که در آیه شریفه **﴿يغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ﴾**[[3]](#footnote-3) باملاحظه روایت سعد اسکاف که ذیلش واردشده بود قدر متیقن التذاذ بود و بقیه مورد تردید بود این آیه هم در روایت سعد اسکاف این‌طور شأن نزولش ذکرشده بود که در مدینه نگاهش به زنی افتاد درحالی‌که آن زن شاید محجبه بوده می‌گوید از پشت سر می‌رفت آن‌قدر مجذوبش شده بود که سرش به دیوار خورد و شکست و نفهمید که سرش شکسته است این آیه در آنجا نازل شد. قدر متیقن این آیه شریفه با روایت معتبره سعد اسکاف این بود این روایت هم قدرمتیقنش این است اگر کسی این نگاه را ترک کرد خداوند به او ایمانی می‌دهد که حلاوتش را می‌چشد مقام این نگاه التذاذ و شهوت‌رانی است. همان‌طور که مؤید این هم درجاهای دیگر هست که هرکس دست از شهوت‌رانی بردارد خداوند نعمت‌هایی را به قلبش جاری می‌کند و اگر کسی نظر اول را نپذیرد و بخواهد بین این‌ها جمع کند که بعید است هم‌چین اطلاقی پیدا شود و اگر بخواهد قدرمتیقن را در نظر بگیرد همان نگاه با شهوت است.

سؤال: تشبیهی که به‌کاررفته به نظر می‌رسد در مقام سؤال از امر بدیهی نیست. اگر جوابی که امام می‌گوید امر معقولی بوده که واضح نبوده و حضرت در قالب تشبیه معقول به محسوس آورده. یعنی از امر واضحی سؤال نمی‌کند. یعنی نگاه به حرام مال امر احتیاطی است و امر مسلم و حرام را نمی‌گوید.

جواب: این گناهی است که اگر کسی دست از آن برداشت ایمانی به او داده می‌شود که حلاوتش را می‌چشد این دست برداشتن از گناهی است یعنی جاذبه گناه هست ولی او تسلیم نمی‌شود در روایات دیگر هم دارد کسی که دست از گناه بردارد ابواب حکمت را بر قلبش جاری می‌کند. ما فکر می‌کنیم این است.

سؤال: اگر قرار باشد که نظر را نظر شهوانی مقصود چیست؟

جواب: نه من این را نگفتم آنچه شیخ می‌فرمود می‌گفت مقصود این است ولی من گفتم قدرمتیقن این است و ممکن است به فراتر از این هم افاده کند. تفاوت عرض ما با مرحوم شیخ این بود که شیخ در آنجا محکم می‌گویند مقصود نظر مع الالتذاذ است. ما می‌گوییم ممکن است فراتر باشد ولی چون نمی‌توانیم اطلاق را بگیریم می‌گوییم التذاذ قدر متیقنش است. ممکن است نگاه با ریبه را هم بگیرد و نفی آن را نمی‌کنیم. این چند احتمال بود که مطرح شد.

# جمع بندی ادله

ما دوازده دلیل برای قاعده دوم که قاعده ریبه است بیان کردیم و دو دلیل را پذیرفتیم که یکی با کراهت بیشتر سازگار بود و دیگری هم روایت محمد ابن سنان بود که می‌شد بگوییم با ریبه ارتباط دارد ولی دچار ضعف سندی بود. بنابراین قاعده ریبه حداکثر دو دلیل دارد که یکی از آن‌ها دلالتش بر تحریم اثبات نمی‌شد دیگری سندش مشکل داشت. لذا اینکه بگوییم دلیل قطعی وجود دارد این‌طور نیست. برخلاف قاعده اول که قاعده التذاذ بود و ادله روشن و واضحی داشت. هیچ جای تردیدی آن ادله باقی نمی‌گذاشت. ولی در قاعده ریبه دلیل محکمی نیست. اگر کسی بخواهد نظر بدهد حتماً احتیاط واجب می‌دهد زیرا شهرتی دارد و مجموعه روایات و تأکیدات شرع بر حفظ حرمت‌ها نمی‌گذارد حکم به جواز کرد. گرچه دلیل قاطعی وجود ندارد. ادله دیگری همچون زنای چشم هم آورده‌اند که تام نیست.

علی فرض اینکه برخی ادله تمام باشد چه حرمتی است؟ ممکن است کسی احتمالاتی بدهد. یکی اینکه حرمت مولوی شرعی نفسی است کما هو ظاهر من کلمات القوم. مرحوم سید در عروه و در شرایع و سایر کتب ظاهر این است که حرمت نگاه همراه با ریبه مثل نگاه با التذاذ شهوانی است که حرام نفسی مولوی است. این ظاهر کلمات است. البته در خطابات هم اصل همین است که هر خطابی که حاوی نهیی باشد ظهور در نهی مولوی نفسی دارد. نمی‌دانیم ارشاد است یا مولوی اصل مولوی است. مولوی شد نمی‌دانیم نفسی غیری یا طریقی است می‌گوییم نفسی است. دو تفسیر است یکی نفسی غیری و دیگری نفسی. ممکن است کسی احتمال دوم را بگوید. ایشان احتمال دیگری می‌دهند و آن اینکه این حکم طریقی است. حکم طریقی این است که در آن مصلحت ملزمه مستقل نیست. بلکه طریق است چه در وجوب چه تحریم. در وجوب مثل اجتهاد و تقلید که یجب علی کل مکلف ان یکون مجتهدا او مقلدا او محتاطا و اگر کسی هیچ‌کدام از این‌ها نباشد و با حدس و گمانی یا رمل و اسطرلابی نماز و روزه را انجام داد و فی نفس الامر هم تکلیف مولا همان بود، این شخص گناه نکرده است. به حسب ظاهر می‌گویند گناهکار است و باید تکلیف خود را از راه اجتهاد یا تقلید یا احتیاط به دست بیاورد ولی هیچ گناهی نکرده است. اگر روی تجری و دیگر اشیاء گناهی باشد دلیل دیگری است ولی نسبت به‌واقع گناهی نکرده است. حکم یجب علی المکلف ان یکون مجتهدا او مقلدا او محتاطا حکم نفسی نیست که مصلحت در خودش باشد بلکه حکمی است که شخص را به‌واقع برساند ولی اگر شخصی این راه را نرفت ولی به‌واقع رسید اشکالی ندارد. مثل‌اینکه از این راه گفتند برو تا به شهر برسی او راه دیگری رفت و رسید. اینجا هم احتمال دهد خطابی که در روایت محمد ابن سنان است یا روایت النظره سهم این‌ها تحریم را افاده کند ولی قرائنی در کار است که این تحریم، طریقی است نه اینکه مفسده‌ای در آن باشد. اگر کسی نگاه ریبه ای داشت ولی به گناه دیگری نینجامید یعنی از حیث ریبه که نگرانی دارد که به گناه دیگری بکشاند این باعث گناه نشد در این صورت بااینکه با ریبه نگاه کرده گناهی انجام نداده چون به گناه منجر نشده است.

1. [وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج20، ص191، أبواب أبواب مقدّمات النكاح وآدابه، باب104، ح1، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/20/191/%D8%AD%D8%B3%D8%B1%D8%A9) [↑](#footnote-ref-1)
2. . سوره ناس آیه 5 [↑](#footnote-ref-2)
3. سوره نور آیه 30 [↑](#footnote-ref-3)